

لجنه ملی جوانان بهائی ایران

شماره ۱۲۳ بدیع

دیانت جهانی بہائی

انچہ را دارائید بنمائید. اگر مقبول افتاد

مقصود حاصل والا تعرض باطل .»

(حضرت بیاء اللہ)

آئین هجراتی

در قرن نوزدهم میلادی مقارن باقرن سیزدهم
هجری قمری و هم زمان با انقلابات و جنبش‌های اجتماعی
و علمی و صنعتی در کشورهای پیشرفته جهان عالم انسانی
شاهد نهضت روحانی عظیمی گردید که بانبروی هر چه
تعامتربساط اوهام و خرافات پیشینیان و طومار افکار و آراء
کهنه گذشتگان رادرهم پیچید و با قدرتی فوق العاده به
نفوذ و پیشرفت خود ادامه داد . مؤسس این نهضت

روحانی جوانی بود از شیراز بنام سید علی محمد باب که در سال ۱۸۴۴ میلادی مقارن با ۱۲۶۰ هجری قمری در سن بیست و پنج سالگی دعوی خویش را آشکار نمود و راه را برای ظهور و پیدایش آئین جهانی بهائی آماده و هموار ساخت .

حضرت باب پس از اظهار امر با مخالفت شدید اولیای امور و پیشوایان مذهبی ایران روبرو شد و در همان آغاز کار دستگیر و مدت شش سال دیار به دیار در تبعید و زندان گرفتار انواع محن و آلام گردید و سرانجام در سال ۱۸۵۰ میلادی (مقارن با ۱۲۶۶ هـ.ق) در سرریازخانه شهر تبریز به دستور حکومت وقت وای علمای به شهادت رسید .

هنگام ظهور حضرت باب جوانی از خاندان

وزارت در طهران موسم به میرزا حسینعلی نوری که بعداً
 به بهاء الله ملقب گردیدند به آئین باب گردیدند و از همان
 اوان به یاری ونصرت و تبلیغ امر جدید مشغول و در این
 راه مورد اذیت و آزار بسیار واقع شدند . حضرت بهاء الله
 در سال ۱۸۵۲ میلادی مطابق با ۱۲۶۹ هجری قمری
 به فرمان ناصرالدین شاه قاجار جلای وطن نمودند و سا
 عائله و بستگان به بغداد تبعید گردیدند .

حضرت بهاء الله پس از یازده سال اقامت در
 بغداد در بهار سال ۱۸۶۳ میلادی طبق فرمان سلطان
 عثمانی به جانب اسلامبول حرکت فرمودند و در باغ نجیبیه
 بیرون شهر بغداد رسالت خویش را اعلان و آئین نوین خود
 را بنیان نهادند . آئینی که هدفش وحدت عالم انسانی
 و مقصدش سعادت و آسایش حقیقی افراد بشری است .

پس از چهار ماه توقف در اسلابلول بر اثر پافشاری و اصرار دولت ایران حکومت عثمانی ایشان را مجدداً به ادرنه تبعید کرد . حضرت بهاء الله از آنجا پیامهائی به پادشاهان و پیشوایان روحانی خاور و باخترجهان فرستادند و آنان را به قبول و پذیرش دیانت عمومی خویش دعوت فرمودند و از ایشان خواستار شدند که دست از جنگ و نبرد برداشته و با یکدیگر برای تحقق و استقرار صلح عمومی در میان ابناء انسانی قیام واقdam نمایند .

پس از پنج سال سکونت در ادرنه آن حضرت بار دیگر به سبب عداوت دشمنان و کینه تیزی بد خواهان از طرف باب عالی (دولت عثمانی) به عکا تبعید و مدت دو سال و اندکی در سرایخانه بیرون آن شهر محبوس گردیدند و پس از آن تا پایان حیات در عکا و اطراف آن

سکنی گزیدند .

حضرت بهاء الله به سال ۱۸۹۲ میلادی (مطابق با ۱۳۰۹ هـ ق) از این جهان درگذشتند و به موجب وصیت نامه فرزند خود عباس افندی ملقب به عبدالبهاء را وصی و مبین الواح و آثار خویش مقرر و به سمت مرجع بهائیان معین فرمودند .

حضرت عبدالبهاء (۱۹۲۱ - ۱۸۴۴ میلادی) از آغاز خرد سالی در ایلیا و حبس و تبعید سهمیم و شریک وفادار پدر بزرگوار خود بودند . تا اینکه در سال ۱۹۰۸ میلادی با قیام جوانان ترك و سقوط خلافت عثمانی آزاد گردیدند و سال ۱۹۱۰ میلادی به دیار مصر و کشورهای اروپا و قاره امریکا سفر نمودند و تعالیم بهائی را شخصا به سمع جهانیان رسانیدند و در سال ۱۹۱۳ میلادی به محل اقامت خود در

حیفا (فلسطین) بازگشت فرمودند و در سال ۱۹۲۱ میلادی
دیده از جهان فرو بستند .

حضرت شوقی ربانی (۱۹۵۷-۱۸۹۷ میلادی)
نوه حضرت عبدالبهاء بر طبق الواح وصایای ایشان به
عنوان ولی امر بهائی زمام امور بهائیان را در دست گرفتند
و مدت سی و شش سال با عزمی راسخ و قدمی ثابت و فد آکاری
بسیار برای تحکیم اساس روحانی و اداری شریعت بهائی
و پیشرفت و توسعه و انتشار مبادی و اصول آن اقدام نمودند
و سرانجام بسال ۱۹۵۷ میلادی مطابق با ۱۳۳۶ شمسی
در لندن درگذشتند .

در بهار سال ۱۳۴۲ شمسی مطابق با ۱۹۶۳ میلادی
بیت عدل اعظم که به موجب نصوص الهی عالیترین
مرجع جامعه بهائی و مواضع قوانین و احکام غیر مخصوصه

درالواح و آثار مقدسه بهائی است تشکیل گردید و زمام امور
بهائیان را در سراسر گیتی در دست گرفت .

مختبائی آر:

آما حضرت بهاء الله جل ذكروه الاعلی

” طراز اول و تجلی اول که از افق سما* ام الكتاب

اشراق نموده در معرفت انسان است به نفس خود و به

آنچه سبب علو و دنو و ذات و عزت و ثروت و فقر است بعد

از تحقق وجود و بلوغ ثروت لازم و این ثروت اگر از صنعت و
 اقتراف حاصل شود نزد اهل خرد مدوح و مقبول است ،
 مخصوص عبادی که بر تربیت عالم و تهذیب نفوس ام قیام
 نموده اند ایشانند ساقیان کوثر دانی و هادیان سیل
 حقیقی . نفوس عالم را به صراط مستقیم راه نمایند و به
 آنچه علت ارتفاع و ارتقاء وجود است آگاه سازند . راه
 راست راهی است که انسان را به مشرق بینائی و مطلع
 دانی کشاند و به آنچه سبب عزت و شرف و بزرگی است
 رساند . رجا آنکه از عنایت حکیم دانا رمد ابصار رفع شود
 و بر بینائیش بیفزاید تا ببیند آنچه را که از برای آن بوجود
 آمده اند . امروز آنچه از کوری بگاهد و بر بینائی بیفزاید
 آن سزاوار التفات است . نزد صاحبان حکمت دانی خرد
 از بینائی بصراست . اهل بها باید در جمیع احوال به

آنچه سزاوار است عمل نمایند و آگاه سازند . ”

(طرازات)

” سراج عباد داد است او را به بادهای مخالف

ظلم و اعتساف خابوش نمائید و مقصود از آن ظهور اتحاد

است بین عباد . در این کلمه ” علیا بحر حکمت الهی موج

د فاطر عالم تفسیر آنرا کفایت ننماید . اگر عالم به این طراز

مزین گردد شمس کلمه ” یوم یغنی الله کلامن سعته ”

از افق سما ” دنیا طالع و مشرق مشاهده شود . مقام این

بیان را بشناسید چه که از علیا ثمره ” شجره ” قلم اعلی

است . نیکو است حال نفسی که شنیده و فائز شد .

براستی میگویم آنچه از سما ” مشیت الهی نازل آن سبب

نظم عالم و علت اتحاد و اتفاق اهل آنست . ”

(کلمات فردوسیہ)

” ای دانیان ام از یگانگی چشم بردارید و سه یگانگی ناظر باشید و سه اسبابی که سبب راحت و آسایش عموم اهل عالم است تمسک جوئید . این يك شبر عالم يك وطن و يك مقام است . از افتخار که سبب اختلاف است بگذرید و سه آنچه علت اتفاق است توجه نمائید نزد اهل بها* افتخار به علم و عمل و اخلاق و دانش است نه به وطن و مقام . ای اهل زمین قدر این کلمه* آسمانی را بدانید چه که به منزله* کشتی است از برای دریای دانائی و سه منزله* آفتاب است از برای جهان بینائی . ”

(کلمات فردوسیہ)

” رگ جهان دردست پزشک داناست درد را می بیند و سه دانائی درمان میکند . هر روز راز را آستو هر سر را آوازی . درد امروز را درمانی و فردا را درمان

دیگر . امروز رانگران باشید و سخن از امروز رانید . دیده میشود گیتی را در دهای بی کرا . فرا گرفته و او را بر بستر ناکامی انداخته . مردمانی که از باده خود بینی سرمست شده اند پزشک دانا را از او باز داشته اند . اینست که خود وهمه مردمان را گرفتار نموده اند . نه در دمی دانند نه درمان میشناسند . راست را کز انگاشته اند و دوست را دشمن شمرده اند .

(لوح مانکجی صاحب)

” مقصود از کتابهای آسمانی و آیات الهی آنکه مردمان بر راستی و دانائی تربیت شوند که سبب راحت خود و بندگان شود . هر امری که قلب را راحت نماید و بسره بزرگی انسان بیفزاید و ناس را راضی دارد مقبول خواهد بود . مقام انسان بلند است اگر چه انسانیت مزین و الاپست تر

از جمیع مخلوق مشاهده میشود . بگو ای دوستان امروز
راغنیمت شمرد و خود را از فیوضات بحر تعالی محروم
نمائید . از حق میطلبم جمیع را به طراز عمل پاک
و خالص در این یوم مبارک مزین فرماید . ”

” ای دوستان سرا پرده یگانگی بلند شد بیه
چشم بیگانگان یکدیگر را ببینید همه باریک دارید و
برگ یک شاخسار . ”

(لوح مقصود)

” ای پسران انسان دین الله و مذهب الله
از برای حفظ و اتحاد و اتفاق و محبت و الفت عالم است
اورا سبب و علت نفاق و اختلاف و ضغینه و بغضا نمائید
اینست راه مستقیم و اس محکم متین . ”

(لوح مقصود)

” یا حزب الله بخود مشغول نباشید در فکر
اصلاح عالم و تهذیب امم باشید . اصلاح عالم از اعمال
طیبه* ظاهره و اخلاق راضیه* مرضیه بوده . ناصر امر
اعمالست و معینش اخلاق . ”

(لوح دنیا)

” مری عالم عدل است چه که دارای دورکن
است مجازات و مکافات . و این دورکن دو چشمه اند از
برای حیات اهل عالم چونکه هر روز را امری و هر حین
را حکمی مقتضی . لذا امور به وزرای بیت عدل راجع تا
آنچه را مصلحت وقت دانند معمول دارند . ”

(بشارات)

اصول تعالیم بهائی

آئینی که حضرت بهاء الله بنیان گذارده اند
آئینی است الهی و میدان عمل و احاطه اش جهانی و
اصول و مبادیش منطقی و ضامن سعادت و کافل رستگاری
افراد بشری و هدف و مقصدش وحدت عالم انسانی .
حضرت بهاء الله تعلیم میفرماید که پیامبران
الهی برای هدایت و تربیت آدمیان برانگیخته میشوند و
آنان را به حقیقت واحد و مبداء واحد دعوت می نمایند و

اگر در او امر و نواهی ایشان اختلافی دیده میشود آن
 اختلاف در فروع احکام و نظریه مصالح وقت و زمان است.
 و این اصل یعنی تسلسل ادیان و ظهور پیامبران امری
 است همیشگی و دائمی و پایان ناپذیر " چونکه هر روز امری
 و هر حین را حکمی مقتضی " است .

شریعت حضرت بهاء الله مبتنی بر تخری حقیقت
 و هدام بنیاد اوهام و تعصبات است . دوستی و بیگانگی
 را تعلیم میدهد و از دشمنی و بیگانگی نوع بشر را دور و بر
 حذر میدارد . دین و علم را به منزله دو بال برای پرواز
 عالم انسانی در آسمان کمال و ترقی بر شمرده و تعلیم و
 تربیت عمومی و اجباری را لازم و ضروری می داند . اصل
 تساوی حقوق اجتماعی زنان و مردان را تأسیس میکند افراط
 و تفریط در فروغنا را محکوم و تعدیل معیشت را تأکید

فرموده و اشتغال به کسب و کار را لازم و در ردیف عبادت محسوب و بیکاری و تن آسائی رازش و ناپسند می شمرد .
 اختیار یک زبان و خط عمومی را علاوه بر زبان مادری پیشنهاد و آنرا مایه حسن تفاهم بین المللی و علت محبت و دوستی افراد بشری و از وسائل ایجاد صلح عمومی در میان کشورهای گیتی بشمار می آورد .

اینک باره ای از تعالیم بهائی که از خطابات و مکاتیب حضرت عبدالبها* مبین آثار حضرت بها* الله اخذ شده ذیلا درج میگردد .

۱ - تحری حقیقت

” باید انسان تحری حقیقت کند و از تقلید دست بکشد زیرا ملل عالم هر یک تقلیدی دارند و تقلید مختلف است و اختلاف تقلید سبب جنگ و جدال شده است و تا این

تقالید باقی است و حدت عالم انسانی مستحیل است . پس
باید تحری حقیقت نموده تا بنور حقیقت این ظلمات زائل
شود . ”

۲ $\begin{matrix} ++ \\ ++ \\ ++ \end{matrix}$ - وحدت عالم انسانی

” جمیع بشر کل مشمول الطاف جلیل اکبرند بندگان یک
خد اوندند و پرورده ، حضرت ربوبیت . رحمت شامل کل
است و تاج انسانی زینت هر سری از بندگان الهی . لهذا
باید جمیع طوائف و ملل خود را برادر یکدیگر دانند و شاخ
و برگ و شکوفه و ثمر و شجره واحده شمرند . زیرا جمیع
سالله ، حضرت آد مند و لثالی یک صدف . ”

۳ $\begin{matrix} ++ \\ ++ \\ ++ \end{matrix}$ - وحدت اساس ادیان

” اساس ادیان الهی یکی است تعدد و تجزی قبول
نکند . خدمت بعالم اخلاق کند تصفیه ، قلوب و ارواح نماید

...ولکن یا اسفاکه این عالم انسانی غرق در درسیای
 تقلید شده هرچند حقیقت ادیان الهی یکی است ولکن
 افسوس که ابرهای اوهمات انوار حقائق راستر نموده
 است . و این غمام های تقلید عالم را تاریک کرده است .
 زیرا تقلید مختلف و این سبب جدال و نزاع بین ادیان
 گردیده . ”

‡‡‡ ‡‡‡ ‡‡‡
 ۴ - عالم انسانی محتاج به تربیت الهی است .
 ” هرچند مدنیت مادی از وسائط ترقی عالم انسانی است
 ولی تا منضم به مدنیت الهیه نشود نتیجه که سعادت
 بشریه است حصول نیابد . . . اگر مدنیت مادیه منضم
 به مدنیت الهیه بود هیچ این آلات ناریه ایجساد
 نمیگشت بلکه قوای بشر جمیع محول به اختراعات نافعه
 میشد و محصور در اکتشافات فاضله میگشت . مدنیت

مادیه مانند زجاج است و مدنیت الهیه مانند سراج . زجاج
 بی سراج تاریک است . مدنیت مادیه مانند جسم است
 و لودر نهایت طراوت و لطافت و جمال باشد مرده است .
 مدنیت الهیه مانند روح است این جسم به این روح زنده
 است و الا حیفه گردد . پس معلوم شد عالم انسانی محتاج
 بنفثات روح القدس است . بدون این روح انسانی مرده
 است و بدون این نور عالم انسانی ظلمت اندر ظلمت
 است زیرا عالم طبیعت عالم حیوانی است تا انسان
 ولادت ثانویه از عالم طبیعت ننماید یعنی منسلخ از عالم
 طبیعت نگردد حیوان محض است . تعالیم الهی این
 حیوان را انسان نماید . ”

+++
 ه - دین باید سبب الفت و محبت باشد .
 +++

” دین باید سبب الفت و محبت باشد اگر دین سبب

عداوت شود نتیجه ندارد بی دینی بهتر است . زیرا
 عداوت و بغضا بین بشر است و هر چه سبب عداوت
 است مبعوض خداوند است و آنچه سبب الفت و محبت
 است مقبول و ممدوح . اگر دین سبب قتال و درندگی شود
 آن دین نیست بی دینی بهتر از آن است زیرا دین بمنزله
 علاج است . اگر علاج سبب مرض شود البته بی علاجی
 بهتر است لهذا اگر دین سبب حرب و قتال شود البته بی
 دینی بهتر است . ”

+++ ۶ - صلح عمومی +++

” حرب ویرانی است صلح عمومی آبادی . حرب ممت
 است و صلح حیات . حرب درندگی است و خونخوازی
 و صلح مهربانی و انسانی . حرب از مقتضای عالم طبیعت
 است و صلح از اساس دین الهی . حرب ظلمت اندر

ظلمت است و صلح انوار آسمانی . حرب هادم بنیان
 انسانی و صلح حیات ابدی عالم انسانی . حرب
 مشابهت با گرگ خونخوار است و صلح مشابهت ملائکه
 آسمانی . حرب منازعه . بقا است صلح تعاون و تعاضد
 بین ملل در این جهان و سبب رضایت حق در جهان
 آسمانی . نفسی نمانده که وجدانش شهادت بر این
 ندهد که الیوم در عالم انسانی امری اعظم از صلح
 عمومی نیست هر منصفی بر این شهادت میدهد .

۷ — تطابق دین با علم و عقل

” دین و علم توأم است از یکدیگر انفکاک ننماید . و از برای
 انسان دو بال است که با آن پرواز نماید . جناح واحد
 کفایت نکند . هر دینی که از علم عاری است عبارت از
 تقلید است و مجاز است نه حقیقت .“

۸ - تعلیم و تربیت عمومی و اجباری

" در کتاب الهی در این دور بدیع تعلیم و تربیت امر اجباری است نه اختیاری . یعنی بر پدر و مادر فرض عین است که دختر و پسر را به نهایت همت تعلیم و تربیت نمایند و از یستان عرفان شیر دهند و در آغوش علوم و معارف پرورش بخشند و اگر در این خصوص قصور کنند در نزد رب غیور مأخوذ و مذموم و مدحورند و این گناهی است غیر مغفور .

۹ - ترك تعصبات

" تعصب دینی و تعصب مذهبی و تعصب وطنی و تعصب سیاسی هادم بنیان انسانی است و تعصب مخرب اساس نوع بشر است از هر قبیل باشد . تا آنکه این تعصبات زائل نگردد ممکن نیست عالم

انسانی راحت یابد .

۱۰. $\begin{matrix} \ddagger \\ \ddagger \\ \ddagger \end{matrix}$ - تساوی حقوق رجال و نساء

" عالم انسانی را دو بال است . يك بال رجال و يك بال نساء تا دو بال متساوی نگردد مرغ پرواز ننماید اگر يك بال ضعیف باشد پرواز ممکن نیست تا عالم نساء متساوی با عالم رجال در تحصیل فضائل و کمالات نشود فلاح و نجات چنانکه باید و شاید ممتنع و محال . "

۱۱. $\begin{matrix} \ddagger \\ \ddagger \\ \ddagger \end{matrix}$ - وحدت خط و زبان

" يك لسانی ایجاد شود و آن را جمیع آکادمی های عالم قبول نمایند . یعنی يك کنگره بین المللی مخصوص تشکیل دهند و از هر ملتی نمایندگان و وکلای دانا در آن جمع حاضر گردند و صحبت و مشورت نمایند و رسماً

آن لسان را قبول کنند و بعد از آن در جمیع مدارس عالم تعلیم اطفال کنند تا هر انسان دو لسان داشته باشد يك لسان عمومی و يك لسان وطنی تا جمیع عالم يك وطن و يك لسان گردد . زیرا این لسان عمومی از جمله اسباب اتحاد عالم انسانی است .

++ ۱۲ - تعدیل معیشت ++

" از جمله اساس بهاء الله تعدیل معیشت است . طبقات ناس مختلفند بعضی در نهایت غنا هستند بعضی در نهایت فقر . یکی در قصر بسیار عالی منزل دارد یکی سوراخی ندارد . یکی انواع طعام در سفره اش حاصل است یکی نان خالی ندارد قوت یومی ندارد و لذا اصلاح معیشت از برای بشر

تشکیلات بهائی

تشکیلات بهائی دارای سه مرحله است :

۱ - محلی

۲ - ملی

۳ - بین‌المللی

و آنها عبارتند از : بیت عدل محلی (یا محفل روحانی

محلی) و بیت عدل خصوصی (یا محفل روحانی ملی)

و بیت عدل عمومی که در رأس تشکیلات بهائی قرار

گرفته و مرجع جمیع بهائیان است .

در هر محل که عدهٔ بهائیان ذی رأی (بیست و یک سال تمام) اعم از زن و مرد به نه (۹) نفر بالغ شود همان افراد محفل روحانی محلی را تشکیل میدهند و اگر تعداد افراد ذی رأی بیشتر از نه (۹) نفر باشد اعضای نه گانه محفل روحانی از طریق انتخاب تعیین میشوند .

وظیفه این مجمع اداره امور جامعه بهائی محل طبق اصول و قواعد معین است .

محفل روحانی ملی از طرف افراد بهائی هر کشور انتخاب میشود و وظیفه آن هیئت اداره امور جامعه بهائی آن کشور و نظارت در خدمات محافل روحانی محلی و هم آهنگ ساختن مجهودات

و اقدامات آنها با یکدیگر است .

بیت عدل عمومی از طرف اعضاء محافل روحانی

ملی خاور و باختر جهان انتخاب میشود .

این هیئت عالی وظیفه اش اداره امور جامعه

بهائی در سراسر عالم و وضع احکام و قوانین غیر

منصوصه در کتاب الهی است .

در این جا شایسته است خاطر نشان گردد

که انتخابات بهائی سری و عمومی و آزاد است .

توسعه و انتشار امر بهائی

در حال حاضر (۱۳۴۵ شمسی)

آئین بهائی هم اکنون در سرتاسر کیتی انتشار یافته است . بهائیان از سیاه و سفید و زرد و سرخ از ادیان و مذاهب مختلفه و اقوام و ملل و قبائل متفاوت از خاور تا باختر و شمال و جنوب عالم در ظل تشکیلات خود برای پیشرفت و توسعه دیانت خویش و نیل به اهداف و مقاصد عالیه آن بر طبق نقشه های جهانی و قاره ای و مملکتی مشغول خدمت و اقدامند .

اینک برای مزید اطلاع مختصر معلومات آماری از گسترش و پیشرفت شریعت بهائی در عالم و تشکیلات آن در حال حاضر ذکر میگردد :

الف - تعداد کشورهای که امر بهائی در آنها نفوذ کرده است ۳۰۵ کشور میباشد . (کشورهای — ای مستقل ۱۲۴ و اقالیم تابعه و جزایر (۱۸۱)

ب - تعداد مراکز بهائی در سراسر عالم به ۲۵۰۰۰ مرکز بالغ است .

ج - تعداد محافل روحانی محلیه ۵۸۰۰ محفل میباشد .

د - عدد زبانهایی که آثار و نوشته های بهائی بدانها ترجمه شده ۳۶۹ زبان است .

ه - تعداد اراضی که برای ساختمان

(۳۷)

مشرق الاذکار (معبد بهائی) تملک شدہ . ۵ قطعہ

میباشد .

و — تعداد محافل ملی بہ ۶۹ محفل بالغ

است .